پیام نسلیة

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدجعفر طباطبایی دارفانی را وداع گفت

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید جعفر طباطبایی شیرازی، از خطیبان حوزه علمیه مشهد، دارفانی را وداع گفت. به گزارش روابط حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید جعفر طباطبایی شیرازی از خطبای حوزه علمیه مشهد روز گذشته دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.

رئیس جمهور و رئیس مجلس در پیام‌های جداگانه‌ای درگذشت این استاد حوزه علمیه خراسان را تسلیت گفتند.

■ **مجاور با اخلاص حضرت ثامن‌الائمه(ع)**

رئیس جمهور در پیامی درگذشت حجت‌الاسلام حاج سیدجعفر طباطبایی، از اساتید حوزه علمیه خراسان و امام جماعت حرم مطهر امام‌رضا(ع) را به مردم و خانواده آن مرحوم تسلیت گفت.

متن پیام رئیس جمهور به این شرح است:

درگذشت عالم پارسا حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدجعفر طباطبایی موجب اندوه و تألم خاطر شد. این عالم انقلابی که از مجاورین با اخلاص حضرت ثامن‌الائمه امام‌رضا(ع) بود، با کسب فیض از آن منبع نورانی، عمر پربرکت خود را وقف مجاهدت در مسیر تبیین و ترویج معارف اهل بیت(ع) نمود و با دانش و نفوذ کلام لائریخش به تربیت نفوس مستعده پرداخت. بی‌شک خدمات علمی این استاد وارسته همواره در یادها خواهد ماند.

اینجانب مصیبت وارده را به خانواده محترم به‌ویژه فرزندان ارجمند آن فقید سعید و مردم ولایتمدار مشهد تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند برای ایشان رحمت واسعه الهی و همجواری با جد بزرگوارشان و برای عموم بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت دارم.

سید ابراهیم رئیسی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

■ **مروج معارف اسلامی و شعائر اهل بیت(ع)**

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز با صدور پیامی ارتحال حجت‌الاسلام سید جعفر طباطبایی، از اساتید حوزه علمیه خراسان را تسلیت گفت. متن پیام به این شرح است:

ارتحال حاج سید جعفر طباطبایی، استاد اخلاق و از علما و وعاظ برجسته شهر مشهد مقدس موجب تأسف و تألم شد. این روحانی فرهیخته و بزرگوار و خادم بارگاه ملکوتی حضرت ثامن‌الحجج(ع) عمر پربرکت خویش را در راه ترویج و تبیین معارف اسلامی و شعائر اهل بیت(ع) و گسترش امور فرهنگی و تبلیغی معطوف داشتند که به‌طور قطع حاصل خدمات ایشان ماندگار خواهد بود. ضمن عرض تسلیت به روحانیت معظم و حوزه‌های محترم علمیه شهر مشهد مقدس، شاگردان و ارادتمندان و بیت مکرم، برای آن عالم ربانی رحمت واسعه و علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

■ **شاگرد برجسته آیات‌عظام قزوینی**

مرحوم طباطبایی، معلم اخلاق و مدرس دانشگاه علوم اسلامی رضوی، از شاگردان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ هاشم و آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی بود و پای درس‌های بزرگان این حوزه تربیت یافت و در دوران پربرکت زندگی خویش درزمینه وعظ و مجالس اهل بیت(ع) و بیان معارف ایشان بسیار کوشا بود. مراسم تشییع پیکر حجت‌الاسلام و المسلمین طباطبایی امروز پنجشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۱ ساعت ۹ صبح از مهدیه مشهد واقع در خیابان امام‌رضا(ع) به طرف حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود.

نکته‌ها

آیت‌الله حائری شیرازی

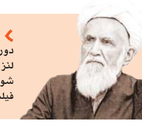

تفکر در خلقت؛ راه رسیدن به توحید

دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری را باید تنظیم کنند و آن‌قدر لنز آن را بچرخانند تا تصویر در آن صاف و واضح دیده شود. وقتی می‌خواهند از جای دور و نزدیک عکاسی یا فیلم‌برداری کنند، باید دوربین را چند دور بچرخانند تا هم کنار دستتان و هم فاصله دور را واضح می‌بینی. اگر دوربین را تنظیم نکنی، اول مات است. در تلویزیون هم دیده‌اید تصاویر تا درست تنظیم نشوند، واضح نیستند. هرکاه می‌خواهد از جای منظره‌ای دیگر ببیاید، وضع آن مناسب شود؛ اما با دوربین چشم که نگاه می‌کنی، اما چشم که نزدیک آن را می‌بیند، یک‌باره به سرعت عدسی‌اش برای دور آماده می‌شود. این نشانه توحید و قدرت الهی است.

رنگ‌هایی را که در نقاشی انتخاب می‌کنید، گاهی از کشورهای خارج می‌آورید. اما دانه گل هفت رنگ پس از آنکه در خاک کاشته شد، سبز می‌شود و گل می‌دهد؛ همه آن رنگ‌ها را نیز از همان خاک گرفته است. گاهی انسان فرصت شمرده‌اش روی یک گل مطالعه کند؛ وگرنه باید بگوید: «لا اله الا الله»؛ چطور این یک دانه، این رنگ‌ها را از خاک گرفته و هنرمند می‌داند و به او جایزه می‌دهند؛ اما آفریننده گل را انکار می‌کنند و می‌گویند گل خودش همین‌طوری به وجود آمده است! نقاشی تو خودش همین‌طوری نمی‌شود، آن وقت گل ساختن او، خودش همین‌طوری می‌شود؟! این بی‌انصافی است. این گل به انسان می‌گوید «الا اله الا الله». شما مقداری از عطر مصرفی‌تان را از خارج می‌آورید و قسمتی را نیز اینجا تولید می‌کنید؛ اما این تخم گل که گاهی یک میلی‌گرم است، هم گل می‌دهد، هم عطر دارد. تخم گل اطلسی نه تنها رنگش را از خاک می‌گیرد، از همان خاک عطر هم درست می‌کند؛ خاک را می‌گیرد و عطر می‌سازد. این‌ها به انسان می‌گویند «لا اله الا الله».

علم گنج بزرگی است که با خرج کردن تمام نمی شود.

خیر دنیا و آخرت با دانش است و شر دنیا و آخرت با نادانی.

کلام امیر

در خطبه‌ای که طی آن به حوادث اشاره می‌کند، می‌فرماید: شتاب مکنید برای رسیدن به چیزی که آماده و در صدد وصول نکنید آنچه را که فردا از راه می‌رسد، پس چه بسا شتابزده برای بدست آوردن چیزی می‌شتابد که اگر آن را دریابد آرزو خواهد کرد که ای کاش آن را در نمی یافت! (فرازی از خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه)

زاویه دید

نگاهی به مفهوم «علم و پژوهش» در بینابه گام دوم انقلاب اسلامی

دکتر محمدرضا قائمی نیک در خصوص عنوان روز جهانی «علم در خدمت صلح و توسعه» به خبرنگار ما می‌گوید: در مورد مفهوم «توسعه» یاد آوری یک تذکر را لازم می‌دانم؛ اینکه بهتر است به جای کلمه توسعه، به قول رهبر معظم انقلاب از کلمه «پیشرفت» استفاده کنیم، زیرا توسعه در جهان امروزی و در شرایط فعلی، بیشتر به طور عمده، بار و معنای غربی و غیراسلامی پیدا کرده و رهبر معظم انقلاب در مقابل این کلمه، عبارت مهم و تأثیرگذار «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» را به کار می برند. همچنین بسیار بجاست که درباره موضوع این گفت‌وگو، توجهی هم به بند «علم و دانش و پژوهش» کنیم که در بینابه گام دوم انقلاب از سوی رهبر انقلاب بیان شده و آن را مرور کنیم. به طور خلاصه و براساس متون، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بینابه گام دوم انقلاب، می‌توان این گونه از فرمایشات ایشان درخصوص چگونگی به خدمت گرفتن علم در زمینه صلح و توسعه بهره برد که دو شرط یا راهکار سوی رهبر انقلاب بیان شده و آن را مرور کنیم. به طور خلاصه و براساس متون، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بینابه گام دوم انقلاب، می‌توان این گونه از فرمایشات ایشان درخصوص چگونگی به خدمت گرفتن علم در زمینه صلح و توسعه بهره برد که دو شرط یا راهکار سوی رهبر انقلاب بیان شده و آن را مرور کنیم. یکی «دستیابی به قله‌های علم جهانی» و دیگری به تعبیر امروزی ما «عبور از آن». یعنی «به خدمت درآوردن این علوم در جهان اسلام و به نفع مسلمین». مثلاً ما باید ابتدا به قله‌های علم جهانی در زمینه نانوتکنولوژی، پزشکی، انرژی هسته‌ای، علوم دفاعی و... دست یابیم، سپس به جای چنگ، جوش، آشوب، آشوب، فتنه و... از این علوم در راستای موارد صلح‌آمیز و زندگی بشر و پیشرفت جوامع بشری و به‌ویژه خدمت به پیشرفت جوامع اسلامی و دینی استفاده کنیم.

بااین توضیح باید عرض کنم در تعالیم مشترک تمام ادیان اصیل ابراهیمی، یک مفهوم و یک نکته مهم و پرسش اساسی وجود دارد مبنی بر اینکه «از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟»

در مقابل مفهوم و مسیر پیشرفت واقعی دینی والهی که بیان شد، جهان غرب و آموزه‌های غربی در بیان مفهوم توسعه، یک مسیر دیگری را به اشتباه برای انسان‌ها بیان می‌کنند که دقیقاً برخلاف و در تضاد با آموزه‌های ناب دینی والهی است.

این تفکر غربی و غیردینی به موضوع از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم کاری ندارد و توضیحی درباره این دو مطلب نمی‌دهد و به آن‌ها نمی‌پردازد، یعنی با سکوت کرده و یا این دو موضوع را به طور کامل نفی می‌کند و یا آن به مقابله و تضاد برمی‌خیزد، بنابراین فقط به موضوع حداقلی و میانه این دو مفهوم و این دو حقیقت، یعنی «برای چی آمده‌ام؟» و به همین دنیای مادی و جهان فعلی (دنیای امروزی) که انسان‌ها در آن زنده هستند و زندگی می‌کنند، می‌پردازد. به عبارت دیگر، پیشرفت و توسعه را فقط و فقط در همین دنیای مادی و طبیعی خلاصه کرده و به‌اصطلاح مفهوم و عبارت «پیشرفت و توسعه سکولار» را بیان می‌کند.

یعنی انسان‌ها هر یک به تنهایی باید فقط به فکر خود و منافع و لذات خود باشند، به دیگران و صلح و سرنوشت دیگران نیز کاری نداشته باشند، هرچه بیشتر و بهتر باید به لذت و منفعت خود، زندگی خود، پول و ثروت خود، دنیای خود، مال و اموال و امکانات خود، ترقی خود و.... بپردازند و به انسان‌های دیگر، به چیز دیگر و مفهوم و حقیقت و واقعیت دیگری نیز توجه نکنند و در این مسیر و در رسیدن به اهداف مادی و شخصی و منفعت‌طلبانه خود، استکبار جهانی، کپهان و جهان، اشیا، پیرامون خود و... ظلم و تعدی، تجاوز، جنگ، خشونت و... را هم جایز و لازم می‌دانند.

محمدحسین مروج کاشانی | دهم نوامبر، برابر با ۱۹ آبان ماه در تقویم تاریخ رسمی کشور به عنوان «روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه» نام‌گذاری شده است. به همین مناسبت با «دکتر محمدرضا قائمی نیک»، دانش‌آموخته مقطع دکترای رشته جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی در این زمینه گفت‌وگو کردیم. وی معتقد است مفاهیمی همچون صلح و توسعه و ارتباط سازنده علم با تحقق واقعی این مفاهیم، تنها از طریق عمل صحیح به آموزه‌های مکتب اهل بیت خدمت و طهارت(ع) بدست می‌آید. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

■ **مواجهه اسلام ناب محمدی با مقوله علم و به‌کارستن آموزه‌ها و دریافت‌های علمی، چگونه است؟**

از یک نظر می‌توان علوم را به دو دسته «علم وحیانی» و «علوم انسانی» تقسیم‌بندی کرد. علم وحیانی، براساس آموزه‌ها و فرهنگ مذهب شیعه جعفری دوازده امامی (اثنی عشری) علمی است که از طرف خداوند متعال به شکل‌ها و روش‌های مختلف به پیامبران الهی که برگزیدگان پروردگار متعال هستند، از طریق نزول وحی داده شده؛ مثلاً به حضرت ابراهیم خلیل(ع)، حضرت داوود(ع)، حضرت یوسف(ع)، حضرت عیسی مسیح(ع) و سایر انبیای الهی و در نهایت به پیامبر برگزار اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) علوم وحیانی با روش‌ها و شکل‌های مختلف اعطا شده است. براساس شریعت اسلام و مذهب تشیع دوازده امامی، ما معتقدیم هیچ‌گونه خطا و اشتباه، شک و تردید و... درعلوم وحیانی وجود ندارد. آنگاه پیامبران الهی به‌عنوان انسان‌های برگزیده خداوند که دارای مقام عصمت و مصونیت از گناه و خطا و اشتباه هستند، آموزه‌های علوم وحیانی را به عنوان علم خطاناپذیر و بدون اشتباه، در بین انسان‌ها و جوامع بشری بیان کرده و نشر می‌دهند.

اما نوع دیگر علم در این تقسیم‌بندی، «علوم انسانی» است. انسان‌ها در زندگی عادی و طبیعی خود، در برخورد و ارتباط با یکدیگر، در تعاملات و... دستورات خاصی ندارند، البته در دریافت‌هایی دارند که این آموزه‌ها و دریافت‌ها مکتوب یا منقول (نقل شده) کرده و نشر می‌دهند؛ بنابراین علوم انسانی می‌گویند. مثلاً نیوتن در اثر افتادن سیب از درخت به یک درکی می‌رسد و دریافت خود را مکتوب و تحت قانون و فرمول جاذبه زمین بیان می‌کند که در علم فیزیک کاربرد دارد یا ابوعلی سینا در پزشکی به واقعیاتی می‌رسد و سپس آزمایش و آزمون و خطا می‌کند و چایی که آزمایش‌هایش کمترین خطا و اشتباه را دارد، آن دریافت‌ها و واقعیات را با عنوان علم پزشکی یا علم طب قدیم بیان می‌کند و... .

علوم انسانی نسبت به علوم وحیانی ویژگی‌هایی دارد؛ به این معنی که چون انسان برخلاف پروردگار متعال، محدودیت‌ها و ناتوانی‌هایی دارد (مانند محدودیت‌های فیزیکی، محدودیت‌های سهو و فراموشی و...)، بنابراین علوم انسانی نیز خطاپذیر بوده و ایراد و اشکال در آن راه دارد و این خطا و اشتباه را یا همان انسان و شخص ارائه‌دهنده آن علوم در همان موقع متوجه می‌شود و یا انسان‌های دیگر در همان زمان و یا در زمان‌های آینده متوجه می‌شوند.

حالا باید دید رابطه این دو نوع علم، یعنی علوم وحیانی و علوم انسانی چیست؟ آیا می‌توان هر یک از این علوم را حذف کرد؟ پاسخ این است هیچ کدام از این دو نوع علم را نمی‌توان حذف کرد. علوم انسانی را هم نمی‌توان حذف کرد زیرا انسان‌ها در این دنیا به علوم انسانی سروکار داشته و زندگی می‌کنند، یعنی درحال زندگی و مواجهه با علومی هستند که یافته‌ها و آموزه‌های آن را خودشان با امکانات و توانایی‌های موجود درک و دریافت می‌کنند.

سازوکاری که برای ارتباط بین علوم وحیانی و علوم انسانی در تمدن اسلامی و در بین علمای دینی و علوم انسانی بیان شده، این است که علمای اسلامی علوم و دریافت‌های خود که به عنوان علوم انسانی مطرح است را به‌منظور تطابق و هماهنگ بودن بیشتر با علوم وحیانی، «اسلامی» می‌کردند. بنابراین جایگاه ممتاز و رفیع علوم وحیانی در نزد انسان‌ها ناب محمدی و مذهب تشیع جعفری دوازده امامی کاملاً مشخص و مبرهن بوده و جای هیچ‌گونه بحثی ندارد. در مورد علوم انسانی نیز آنجا که با کلام و آموزه‌های خداوند و سخنان پیامبران و موازین مقابله و تضاد نباشد، دین مبین اسلام و مذهب تشیع جعفری امامیه (دوازده امامی) این گونه علوم را قبول داشته و تأیید می‌کند و بلکه فراگیری آن را هم فریضه می‌داند؛ یک نفر می‌خواهد علم مهندسی رایانه را فرا گیرد، این علم چون یک علم کاربردی است، اسلام فراگیری آن را دوست داشتنی می‌داند، اما تأکید می‌کند براساس قانون و قاعده «نفی سبیل» که در قرآن کریم بیان شده، کاربرد آن علم نباید در راستای ضرر به اسلام و تضعیف جامعه مسلمین و یا برای برپا کردن دامنه گناه و فساد، فتنه، آشوب و... باشد.

■ **ارتباط و نقش علم در تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟**

در زمینه تمدن نوین اسلامی، یک مفهوم مورد توجه است؛ اینکه اعتقاد بر این است مسلمانان نقش‌ها و قتی کلی را در یک مطالعه کند؛ وگرنه باید بگوید: «لا اله الا الله» و هنرمند می‌شوند؛ آیا چقدر این انسان فرصت دارد که درست می‌کند هنرمند نیست؟ یا چقدر بی‌انصافیم که کمونیست‌ها کسی را که کلی نقاشی کند، هنرمند می‌دانند و به او جایزه می‌دهند؛ اما آفریننده گل را انکار می‌کنند و می‌گویند گل خودش همین‌طوری به وجود آمده است! نقاشی تو خودش همین‌طوری نمی‌شود، آن وقت گل ساختن او، خودش همین‌طوری می‌شود؟! این بی‌انصافی است. این گل به انسان می‌گوید «الا اله الا الله». شما مقداری از عطر مصرفی‌تان را از خارج می‌آورید و قسمتی را نیز اینجا تولید می‌کنید؛ اما این تخم گل که گاهی یک میلی‌گرم است، هم گل می‌دهد، هم عطر دارد. تخم گل اطلسی نه تنها رنگش را از خاک می‌گیرد، از همان خاک عطر هم درست می‌کند؛ خاک را می‌گیرد و عطر می‌سازد. این‌ها به انسان می‌گویند «لا اله الا الله».

■ **مواجهه اسلام ناب محمدی با مقوله علم و به‌کارستن آموزه‌ها و دریافت‌های علمی، چگونه است؟**

از یک نظر می‌توان علوم را به دو دسته «علم وحیانی» و «علوم انسانی» تقسیم‌بندی کرد. علم وحیانی، براساس آموزه‌ها و فرهنگ مذهب شیعه جعفری دوازده امامی (اثنی عشری) علمی است که از طرف خداوند متعال به شکل‌ها و روش‌های مختلف به پیامبران الهی که برگزیدگان پروردگار متعال هستند، از طریق نزول وحی داده شده؛ مثلاً به حضرت ابراهیم خلیل(ع)، حضرت داوود(ع)، حضرت یوسف(ع)، حضرت عیسی مسیح(ع) و سایر انبیای الهی و در نهایت به پیامبر برگزار اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) علوم وحیانی با روش‌ها و شکل‌های مختلف اعطا شده است. براساس شریعت اسلام و مذهب تشیع دوازده امامی، ما معتقدیم هیچ‌گونه خطا و اشتباه، شک و تردید و... درعلوم وحیانی وجود ندارد. آنگاه پیامبران الهی به‌عنوان انسان‌های برگزیده خداوند که دارای مقام عصمت و مصونیت از گناه و خطا و اشتباه هستند، آموزه‌های علوم وحیانی را به عنوان علم خطاناپذیر و بدون اشتباه، در بین انسان‌ها و جوامع بشری بیان کرده و نشر می‌دهند.

اما نوع دیگر علم در این تقسیم‌بندی، «علوم انسانی» است. انسان‌ها در زندگی عادی و طبیعی خود، در برخورد و ارتباط با یکدیگر، در تعاملات و... دستورات خاصی ندارند، البته در دریافت‌هایی دارند که این آموزه‌ها و دریافت‌ها مکتوب یا منقول (نقل شده) کرده و نشر می‌دهند؛ بنابراین علوم را علوم انسانی می‌گویند. مثلاً نیوتن در اثر افتادن سیب از درخت به یک درکی می‌رسد و دریافت خود را مکتوب و تحت قانون و فرمول جاذبه زمین بیان می‌کند که در علم فیزیک کاربرد دارد یا ابوعلی سینا در پزشکی به واقعیاتی می‌رسد و سپس آزمایش و آزمون و خطا می‌کند و چایی که آزمایش‌هایش کمترین خطا و اشتباه را دارد، آن دریافت‌ها و واقعیات را با عنوان علم پزشکی یا علم طب قدیم بیان می‌کند و... .

علوم انسانی نسبت به علوم وحیانی ویژگی‌هایی دارد؛ به این معنی که چون انسان برخلاف پروردگار متعال، محدودیت‌ها و ناتوانی‌هایی دارد (مانند محدودیت‌های فیزیکی، محدودیت‌های سهو و فراموشی و...)، بنابراین علوم انسانی نیز خطاپذیر بوده و ایراد و اشکال در آن راه دارد و این خطا و اشتباه را یا همان انسان و شخص ارائه‌دهنده آن علوم در همان موقع متوجه می‌شود و یا انسان‌های دیگر در همان زمان و یا در زمان‌های آینده متوجه می‌شوند.

حالا باید دید رابطه این دو نوع علم، یعنی علوم وحیانی و علوم انسانی چیست؟ آیا می‌توان هر یک از این علوم را حذف کرد؟ پاسخ این است هیچ کدام از این دو نوع علم را نمی‌توان حذف کرد. علوم انسانی را هم نمی‌توان حذف کرد زیرا انسان‌ها در این دنیا به علوم انسانی سروکار داشته و زندگی می‌کنند، یعنی درحال زندگی و مواجهه با علومی هستند که یافته‌ها و آموزه‌های آن را خودشان با امکانات و توانایی‌های موجود درک و دریافت می‌کنند.

سازوکاری که برای ارتباط بین علوم وحیانی و علوم انسانی در تمدن اسلامی و در بین علمای دینی و علوم انسانی بیان شده، این است که علمای اسلامی علوم و دریافت‌های خود که به عنوان علوم انسانی مطرح است را به‌منظور تطابق و هماهنگ بودن بیشتر با علوم وحیانی، «اسلامی» می‌کردند. بنابراین جایگاه ممتاز و رفیع علوم وحیانی در نزد انسان‌ها ناب محمدی و مذهب تشیع جعفری دوازده امامی کاملاً مشخص و مبرهن بوده و جای هیچ‌گونه بحثی ندارد. در مورد علوم انسانی نیز تا آنجا که با کلام و آموزه‌های خداوند و سخنان پیامبران و موازین مقابله و تضاد نباشد، دین مبین اسلام و مذهب تشیع جعفری امامیه (دوازده امامی) این گونه علوم را قبول داشته و تأیید می‌کند و بلکه فراگیری آن را هم فریضه می‌داند؛ یک نفر می‌خواهد علم مهندسی رایانه را فرا گیرد، این علم چون یک علم کاربردی است، اسلام فراگیری آن را دوست داشتنی می‌داند، اما تأکید می‌کند براساس قانون و قاعده «نفی سبیل» که در قرآن کریم بیان شده، کاربرد آن علم نباید در راستای ضرر به اسلام و تضعیف جامعه مسلمین و یا برای برپا کردن دامنه گناه و فساد، فتنه، آشوب و... باشد.

در گفت‌وگوی قدس با عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی تبیین شد

علوم وحیانی پیشران تحقق صلح واقعی

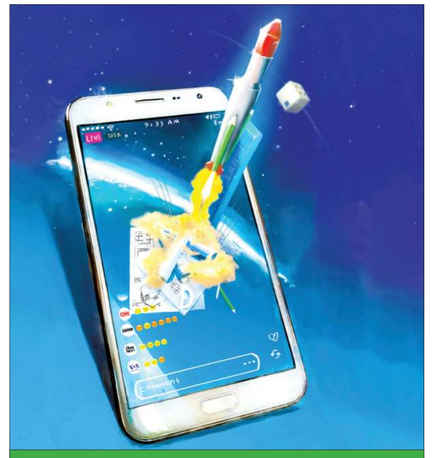

مطابق بیانات رهبر معظم انقلاب در زمینه تمدن نوین اسلامی، علم از اصول، پایه‌ها و مقومات این تمدن است، زیرا تمدن بدون علم، همچون شیرازه‌ای سست و آسیب‌پذیر و ناتمطمئن است که با کوچک‌ترین تلنگری از هم می‌پاشد چراکه علم، قلمرو و محدوده علت و معلول‌ها و ضرورت‌هاست، پس این علم و دانش است که می‌تواند به هر تمدنی قوام و استحکام ببخشد.

گزیده

دین مبین اسلام چگونه علم را در خدمت صلح و پیشرفت واقعی جامعه قرار می‌دهد؟

در پاسخ به این پرسش ابتدا باید به این موضوع اشاره کنیم که متضاد و مخالف مفاهیم «صلح و توسعه و پیشرفت»، مفاهیمی همچون «جنگ، خشونت و عقب‌ماندگی» است. براساس تعالیم و آموزه‌های مشترک همه ادیان اصیل ابراهیمی (البته آموزه‌هایی که دچار تحریف و دگرگونی از اصالت راستین خود نشده‌اند) سرمنشأ و ریشه همه خشونت‌ها و جنگ‌ها، نیروهای شیطانی هستند که در اسلام و آیات قرآن نیز به این موضوع اشاره شده است. آنجا که در قرآن (آیه ۸۲ سوره ص) آمده ابلیس قسم خورد انسان‌ها را گمراه (به‌جز بندگان بااخلاص) و از مسیر مستقیم صلح در این عالم دور کند. اینها همان جایگاهی است که شیطان در مقابل اراده پروردگار متعال و نیذیرفتن تعالیم او، مقابل خداوند متعال، در مقابل پیامبران الهی، در مقابل مؤمنان و انسان‌های راستین و برگزیده و بااخلاص، در مقابل طبیعت و جهان و... همه وهمه ریشه استکباری دارد. چون خداوند متعال منشأ خیر، خوبی و نیکی مطلق و محض است، یعنی منشأ همه خوبی‌ها، پاکی‌ها، خیرات و... خدای متعال است، بنابراین هیچ وقت پروردگارعالم، تولید شر، خشونت، بدی، آفت و... نمی‌کند. در قرآن کریم به موضوع بیان شده که خوبی‌ها و نیکی‌ها از سوی خدای متعال و همه مصیبت‌ها، بدی‌ها، مشکلات و گرفتاری‌ها از سوی انسان‌هاست. (آیه۷۹، سوره نساء)

پس به دلایل مختلف ازجمله غفلت از یاد خداوند متعال و اطاعت نکردن از دستورات و هدایت‌های پیامبران، جهل و غفلت، خشم و غضب نابجا، هوا و هوس‌های نفسانی، منویات نادرست و... از آنجه خدای متعال برای آن‌ها مقدر کرده، زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی می‌کنند. بنابراین در طول تاریخ قابیل مقابل هابیل، نمرود مقابل ابراهیم(ع)، فرعون مقابل موسی(ع)، ابوجهل، ابوسفیان و ابولهب مقابل پیامبر گرامی اسلام(ص) و... قرار می‌گیرند و یا بر اساس فرمایش معتبر از امام جعفر صادق(ع)، «جنود جهل» مقابل «جنود عقل» قرار می‌گیرند. بنابراین منشأ خشونت و جنگ، اطاعت و تسلیم نبودن در مقابل هدایت پیامبران است و تمامی هدایت‌ها و تربیت‌های صورت گرفته از سوی پیامبران الهی در طول تاریخ بشریت برای این است که همه این جنگ‌ها، خشونت‌ها، ظلم‌ها، فتنه‌ها و... به پایان رسیده و انسان‌ها به صلح و واقعی که خدای متعال مقدر کرده برسند. پس صلح واقعی بدون هدایت پیامبران الهی که پیام‌آوران خدای متعال و پرودگار جهان را به انسان‌ها ابلاغ می‌کنند، محقق نمی‌شود. در اینجاست که برای تحقق صلح حقیقی، نیاز انسان‌ها به «علم وحیانی» که در پرسش‌های قبلی توضیح داده شد، کاملاً مشخص و واضح احساس می‌شود.

مروج معارف اسلامی و شعائر اهل بیت(ع)

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز با صدور پیامی ارتحال حجت‌الاسلام سید جعفر طباطبایی، از اساتید حوزه علمیه خراسان را تسلیت گفت. متن پیام به این شرح است:

ارتحال حاج سید جعفر طباطبایی، استاد اخلاق و از علما و واعظ برجسته شهر مشهد مقدس موجب تأسف و تألم شد. این روحانی فرهیخته و بزرگوار و خادم بارگاه ملکوتی حضرت ثامن‌الحجج(ع) عمر پربرکت خویش را در راه ترویج و تبیین معارف اسلامی و شعائر اهل بیت(ع) و گسترش امور فرهنگی و تبلیغی معطوف داشتند که به‌طور قطع حاصل خدمات ایشان ماندگار خواهد بود. ضمن عرض تسلیت به روحانیت معظم و حوزه‌های محترم علمیه شهر مشهد مقدس، شاگردان و ارادتمندان و بیت مکرم، برای آن عالم ربانی رحمت واسعه و علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

■ **شاگرد برجسته آیات‌عظام قزوینی**

مرحوم طباطبایی، معلم اخلاق و مدرس دانشگاه علوم اسلامی رضوی، از شاگردان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ هاشم و آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی بود و پای درس‌های بزرگان این حوزه تربیت یافت و در دوران پربرکت زندگی خویش درزمینه وعظ و مجالس اهل بیت(ع) و بیان معارف ایشان بسیار کوشا بود. مراسم تشییع پیکر حجت‌الاسلام و المسلمین طباطبایی امروز پنجشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۱ ساعت ۹ صبح از مهدیه مشهد واقع در خیابان امام‌رضا(ع) به طرف حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود.

نقطه‌نظر

علوم انسانی باید خودش را با خط‌کش معارف وحیانی بسنجد

دکتر محمدرضا قائمی نیک درباره علم متناسب با تمدن نوین اسلامی به خبرنگار ما می‌گوید: اگر تمدن، کفرآمیز باشد آنگاه علم متناسب با این تمدن، ضرورتا و قهرا علم کفر را ایجاد می‌کند که قرآن از آن به عنوان «اولیای طاغوت» یاد می‌کند؛ این افراد و این گونه جامعه‌ای، تمدن طاغوتی و کفرآمیز را ایجاد می‌کنند. اما اگر تمدن مورد بحث قرار است تمدن دینی و اسلامی باشد که می‌خواهد تحت آموزه‌ها و تعالیم مذهب شیعه دوازده امامی (شیعه جعفری امامیه) تشکیل شود، آنگاه علم متناسب با این تمدن باید بتواند عناصرکلی یعنی جهان‌بینی‌ها با امور و مفاهیم زندگی روزمره انسان‌ها را با یک منطق منسجم، مستحکم و قوام‌بخش توضیح دهد. مثلاً وقتی در جامعه اسلامی با موضوع و پدیده‌ای مانند «حجاب، بی‌حجابی وبدحجابی» روبه‌رو می‌شویم، علم دینی برای این موضوع، ایده و راهکار داشته و سازوکارها را برای حجاب جامعه تقویت می‌کند. از این موضوع بگیرید تا موضوعاتی مانند «برهان اثبات خدا»، «برهان نبوت»، «جهان‌بینی‌های کلی» و... که علم انسانی باید در اینجا ازلحاظ دینی پیروی کند. همان‌طور که نماز حکم خدا و دستور الهی است، حجاب هم دستور خدا و یک حکم الهی است. همان‌طور که برای اجرا و به‌جا آوردن نماز، مطابق دستورات و احکام شرعی باید شرایط و مقدماتی مانند شرایط نمازگزار، مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، طهارت و پاکی بدن نمازگزار و... را مهیا کنیم حال در مورد حجاب اگر قرار است حجاب نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح عمومی جامعه رعایت شود، آیا نباید مقدمات و تشویق‌کننده‌های حجاب در سطح جامعه را ایجاد کند تا افراد با حفظ شخصیت در جامعه، احساس منزلت، شخصیت و احترام کنند و رعایت حجاب از این طریق گسترش یابد؟ در اینجا نیازمند مفاهیمی همچون اقتصاد، روابط اجتماعی، سیاست، حقوق و قانون، روان‌شناسی، فرهنگ و... هستیم و این علوم، مُقَوِّمات (یعنی اصول و پایه‌های) لازم برای اجرای یک فریضه الهی به نام حجاب در جامعه را فراهم می‌کنند.

یعنی اگر روابط اجتماعی متناسب با نگاه دینی و اسلامی و برای رعایت حجاب همراه با احترام و حفظ شخصیت و منزلت حضور زنان محجبه در سطح جامعه به وجود آید، آنگاه افرادی که در زمینه رعایت حجاب سهل‌انگار بوده و سستی و کوتاهی می‌کنند، با دیدن این شرایط، بهتر و بیشتر به رعایت حجاب در سطح عمومی جامعه تشویق و ترغیب می‌شوند.

حالا اگر روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... متأثر از سکولاریسم و لیبرالیسم و جهان غرب و سیاست‌های دنیای غرب باشد که بی‌حجابی در آن رواج و گسترش و بلکه رسمیت دارد، آنگاه یک زن محجبه و پایبند به رعایت حجاب، در سطح عمومی جامعه تحت فشار و سختی و انزوا قرار گرفته و به حاشیه رانده می‌شود.

به همین دلیل است که مهم‌ترین مُقَوِّمات، باید در اینجا ازلحاظ دینی پیروی کند. همان‌طور که نماز حکم خدا و دستور الهی است، حجاب هم دستور خدا و یک حکم الهی است. همان‌طور که برای اجرا و به‌جا آوردن نماز، مطابق دستورات و احکام شرعی باید شرایط و مقدماتی مانند شرایط نمازگزار، مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، طهارت و پاکی بدن نمازگزار و... را مهیا کنیم حال در مورد حجاب اگر قرار است حجاب نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح عمومی جامعه رعایت شود، آیا نباید مقدمات و تشویق‌کننده‌های حجاب در سطح جامعه را ایجاد کند تا افراد با حفظ شخصیت در جامعه، احساس منزلت، شخصیت و احترام کنند و رعایت حجاب از این طریق گسترش یابد؟ در اینجا نیازمند مفاهیمی همچون اقتصاد، روابط اجتماعی، سیاست، حقوق و قانون، روان‌شناسی، فرهنگ و... هستیم و این علوم، مُقَوِّمات (یعنی اصول و پایه‌های) لازم برای اجرای یک فریضه الهی به نام حجاب در جامعه را فراهم می‌کنند.

یعنی اگر روابط اجتماعی متناسب با نگاه دینی و اسلامی و برای رعایت حجاب همراه با احترام و حفظ شخصیت و منزلت حضور زنان محجبه در سطح جامعه به وجود آید، آنگاه افرادی که در زمینه رعایت حجاب سهل‌انگار بوده و سستی و کوتاهی می‌کنند، با دیدن این شرایط، بهتر و بیشتر به رعایت حجاب در سطح عمومی جامعه تشویق و ترغیب می‌شوند.

حالا اگر روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... متأثر از سکولاریسم و لیبرالیسم و جهان غرب و سیاست‌های دنیای غرب باشد که بی‌حجابی در آن رواج و گسترش و بلکه رسمیت دارد، آنگاه یک زن محجبه و پایبند به رعایت حجاب، در سطح عمومی جامعه تحت فشار و سختی و انزوا قرار گرفته و به حاشیه رانده می‌شود.

به همین دلیل است که مهم‌ترین مُقَوِّمات، باید در اینجا ازلحاظ دینی پیروی کند. همان‌طور که نماز حکم خدا و دستور الهی است، حجا